

Research Paper

A new perspective on diminished responsibility in Iranian and French business regulations

Leila Poloie ¹ , Fatemeh Noori ² 

1-Assistant Professor, Department of Foreign Languages, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2-Assistant Professor, Department of Law, Payamenoor University(pnu), P.O.Box19395-4697. Tehran. Iran.

Receive:

12 February 2025

Revise:

30 February 2025

Accept:

09 March 2025

Published online:

20 March 2025

Keywords:




Gradual/stepwise reduced Responsibility, business regulations, criminalization, accountability, Iranian and French legal systems.

Abstract

Today, the main focus of criminal liability in crimes committed by children and adolescents is on the gradual and gradual model, which itself indicates the acceptance of reduced criminal liability for children and adolescents compared to adults. This process has been implemented in both formal and substantive business law in Iran and France with the aim of managing dangerous criminals. And a consistent, phased mechanism has been considered for the control of delinquent children and adolescents, which is referred to as "developing phased alternatives." The present article, using a descriptive-analytical method, seeks to answer the main question: What are the strategies for this type of liability, given the principles governing business regulations?

The research findings show that in business crimes, accepting reduced liability rationalizes the strategy of criminal responses, and in this way, by clarifying the legislation governing these regulations, we can observe a growing decrease in the occurrence and repetition of crimes in the business environment.

Please cite this article as (APA): Poloie,L& Noori,F.(2025). A new perspective on diminished responsibility in Iranian and French business regulations. *Journal of Business law and economics*, (1) 2, 288-297.

Sponsored by: Institute of Somamos Publications	10.22034/jble.2025.513885.1016	
Corresponding Author: Leila Poloie	https://orcid.org/0009-0003-4221-0292	
Email: leila.poloiei@iau.ac.ir	This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License .	



مقاله پژوهشی

نگرشی جدید بر مسوولیت تقلیل یافته در مقررات کسب و کار ایران و فرانسه

لیلا پلوئی^۱ ID، فاطمه نوری^۲ ID

۱-استادیار گروه زبان‌های خارجی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲-استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی: ۴۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران.

چکیده

امروزه محور اصلی مسوولیت کیفری در جرایم اطفال و نوجوانان توجه به الگوی مرحله‌ای و تدریجی سازی است؛ که خود نشان از پذیرش مسوولیت کیفری تقلیل یافته نسبت به اطفال و نوجوانان در مقابل بزرگسالان است. این فرایند چه در حقوق شکلی و چه در حقوق ماهوی کسب و کار ایران و فرانسه با هدف «مدیریت مجرمین خطرناک» سیاست گذاری شده است. و پیوسته ساز و کار مرحله ای متناسب را در مورد کنترل اطفال و نوجوانان بزهکار لحاظ شده است که از آن به عنوان «جایگزین های مرحله ای در حال توسعه» یاد می شود. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخگویی به این سوال اصلی است که؛ با توجه به اصول حاکم بر مقررات کسب و کار راهبردهای این نوع مسوولیت کدام است؟

یافته های پژوهش نشان می دهد که در جرایم حوزه کسب و کار پذیرش مسوولیت تقلیل یافته؛ موجب عقلانی نمودن راهبرد پاسخ های کیفری می گردد و از این طریق با شفاف سازی قانون گذاری ناظر بر این مقررات می توان کاهش روز افزون وقوع و تکرار جرایم را در فضای کسب و کار را ملاحظه نمود.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹



تاریخ انتشار آنلاین:

۱۴۰۳/۱۲/۳۰

کلید واژه‌ها:

مسوولیت تدریجی/مرحله ای
تقلیل یافته، مقررات کسب و کار،
جرم انگاری، پاسخ دهی،
نظام حقوقی ایران و فرانسه.

لطفاً به این مقاله استناد کنید (APA): پلوئی، ل؛ نوری، ف. (۱۴۰۳). نگرشی جدید بر مسوولیت تقلیل یافته در مقررات کسب و کار ایران و فرانسه، *دانشنامه حقوق کسب و کار و اقتصاد*، ۲(۱)، ۲۸۸-۲۹۷.

	10.22034/jble.2025.513885.1016	تحت حمایت: موسسه انتشاراتی سماوس
	https://orcid.org/0009-0003-4221-0292	نوسنده مسئول: لیلا پلوئی
	این مقاله تحت شرایط https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa قابل بازنشر است.	ایمیل: leila.poloei@iau.ac.ir



مقدمه

با ظهور مکتب تحقیقی، مفاهیمی نظیر «حالت خطرناک»^۱ و «اقدامات تامینی» همواره در حقوق کیفری و جرم‌شناسی برای مدیریت بزهکاران مورد توجه قرار گرفته‌اند. در ابتدا، واژه مسوولیت تقلیل یافته یا نقصان یافته در کشور فرانسه به کار رفت و سپس در سایر کشورها از جمله ایران بکار رفت.

به تدریج با به وجود آمدن جرم‌شناسی امنیتی^۲ مفهوم مسوولیت کیفری دستخوش تحولاتی شده و مفاهیمی مانند «مسئولیت کیفری بدون مجرمیت»^۳ و «مسئولیت کیفری بدون قابلیت انتساب»^۴ نیز به این مباحث افزوده شدند.^۵ که در آن معیار مسوولیت اراده آزاد مرتکب نیست؛ بلکه حالت خطرناک او می باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲۹).

با توجه به افزایش روزافزون جرایم در حوزه کسب و کار، بسیاری از نظام‌های کیفری در تلاشند تا وقوع این جرایم را کاهش دهند، فضای کسب و کار را بهبود بخشند و در نهایت از ضرر به شهروندان جلوگیری کنند (شاه آبادی و پوران، ۱۳۹۳: ۷۲). این رویکرد به وضوح در «قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار» مصوب ۱۳۹۰ و همچنین «قانون مجازات اسلامی» مصوب ۱۳۹۲ بیان شده است. علاوه بر این، در قانون ۲۰۰۵ فرانسه، در مورد بزهکاری اطفال، گاهی مسوولیت تنها به شکل یک تصمیم‌گیری ساده قضایی مطرح می‌شود (Danet, 2010: 49). بر اساس اسناد و معاهدات بین‌المللی، از جمله بند الف ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، که به عنوان یکی از اساسی‌ترین اسناد در زمینه حقوق کودکان شناخته می‌شود، مجموعه‌ای از حقوق برای کودکان به رسمیت شناخته شده و تکالیفی بر عهده کشورهای عضو قرار داده شده است (نیازپور، ۱۳۹۱: ۸۷). ماده ۱۷۶ قانون کار نیز مقرر می‌دارد: «به کارگمردن افراد زیر ۱۵ سال ممنوع است و حداقل سن برای کارهای سخت و زیان‌آور ۱۸ سال تمام است».

به همین دلیل، اهمیت حوزه کسب و کار در برخی کشورها، از جمله ایران و فرانسه، به حدی است که منجر به شکل‌گیری گفتمان حقوق کیفری کسب و کار شده است. این گفتمان بستری فراهم کرده که اقدامات ارفاقی و حداقلی را در کنار پاسخ‌های حداکثری قرار می‌دهد. موضوع اصلی این مقاله، بررسی این نکته است که ورود مسوولیت نقصان یافته به حوزه کسب و کار، در قالب «جرم‌انگاری و پاسخ‌گویی مرحله‌ای و تدریجی»، باید با رعایت اصول خاصی همراه باشد. این امر نه تنها به تضمین جنبه بازدارندگی کیفری در حوزه کسب و کار کمک می‌کند، بلکه موجب نظام‌مند شدن کنترل کیفری جرایم نیز خواهد شد. در این راستا، ابتدا به کنترل کیفری در حوزه کسب و کار با الگوی مسوولیت مرحله‌ای و تدریجی نقصان یافته پرداخته می‌شود و سپس راهبردهای مرتبط با دادرسی در مقررات کسب و کار ایران و فرانسه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

^۱ افراد به لحاظ حالت خطرناک یا بالقوه خطرناک یا بالفعل خطرناک تلقی می‌شوند و مجازات آنها بیشتر کارکرد اقدام تامینی دارد.

^۲ در جرم‌شناسی امنیت مدار، به منظور کنترل و کاهش بزهکاری به سطحی قابل تحمل و همچنین برای دفاع و حفاظت از جامعه، مجرمان خطرناک باید تحت تدابیر نظارتی و ناتوان‌ساز کیفری قرار گیرند. سایر مجرمان نیز باید مشمول تدابیر ناتوان‌ساز غیرکیفری و تدابیر پیشگیرانه وضعی شوند (پاک نهاد، ۱۳۸۸: ۱۸).

^۳ - Criminal liability without guilt

^۴ - Criminal liability without attribution

^۵ این موضوع به خصوص در مورد افرادی که مسوولیت کیفری آنها قابل انتساب نیست، مانند؛ صغار و مجانین مورد استفاده قرار می‌گیرد.



۱. تغییر رویکرد کیفری در مسوولیت تقلیل یافته

اطفال و نوجوانان به عنوان گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه مورد حمایت خاص قانونگذار قرار دارند تا از آسیب پذیری بیشتر آنها در جامعه خودداری گردد (Becket & Western, 2001: 45).

مبنای نظام عدالت کیفری بیشتر جلوگیری از اعمال واکنش‌های سزاگرایانه ای است که کنوانسیون حقوق کودک نیز به آن تأکید نموده است (Grant & Karen, 2008: 126).

واکنش کیفری در قبال جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان با افزایش سن و میزان ادراک و مسوولیت پذیری آنها به صورت تدریجی و مرحله ای افزایش می‌یابد. به گونه ای مرتکب تا سن مشخصی که قانون مقرر نموده است؛ کودک محسوب و مطلقاً مسوولیت کیفری ندارد و آن سن ۹ سالگی تمام شمسی است. پس از این سن کودک وارد دوران مسوولیت کیفری تقلیل یافته می‌شود و در قبال جرایم ارتكابی با واکنش کیفری مخففه در مقایسه با بزرگسالان مرتکب جرم مشابه، مواجه می‌شود و با گذر از این مرحله مسوولیت کیفری او کامل و بزرگسال تلقی می‌شود و همانند بزرگسال با او برخورد می‌شود.

بنابراین مسوولیت کیفری تقلیل یافته به صورت تدریجی همگام با افزایش قوه ادراک فرد کامل می‌شود (حسینی و مهرپور، ۱۳۸۹: ۴۶).

در واقع با این سیاست قانونگذار ضمن پذیرش مسوولیت حداقلی، قصد تغییر رویکرد خود را در خصوص مدیریت خطر بزهکاری داشته است. و پیوسته ساز و کار مرحله‌ای متناسب را در مورد کنترل بزهکار اتخاذ کرده است. این امکان در قوانین هر دو کشور به صورت افتراقی در حقوق کیفری اطفال پیش بینی شده است. به گونه ای که برخی از صاحب نظران از این اقدام به عنوان «جایگزین مرحله‌ای در حال توسعه»^۱ یاد می‌کنند (Salvage, 2006: 10).

در حقوق کیفری اطفال و نوجوانان امکان تعیین جایگزین‌های مرحله‌ای در تبصره ۲ ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی در خصوص صغار ۱۵ تا ۱۸ سال و اقامت در منزل در ساعات معین یا نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی قابل مشاهده است.

به این ترتیب در این خصوص مسوولیت نقصان یافته یا تخفیف یافته‌ای در خصوص اطفال و نوجوانان در معرض ریسک و خطر در نظر گرفته شده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۳۵). این موضوع با تسامح در صدر ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی نیز قابل مشاهده است؛ به این صورت که دادگاه می‌تواند مدت نگهداری طفل را تا یک سوم تقلیل داده یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی تبدیل نماید.

قانونگذار فرانسه نیز از سال ۲۰۰۵ مدل جدیدی از مسوولیت کیفری تقلیل یافته را مورد توجه قرار داده است. (ماده ۷۶۳-۱۰ ق. آ. د. ک. ف) این موضوع با در نظر گرفتن نظارت الکترونیکی متحرک (سیار) برای نخستین بار با قانون ۲۰۰۵-۱۵۴۹ مصوب ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵ به عنوان یک تغییر رویکرد معرفی شد (Robert, 2006: 2). همین رویه را می‌توان در ماده ۷۰۶-۳-۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در خصوص ثبت خودکار سوابق سجل قضایی

¹ - A phased alternative under development



بزهکاران جنسی و جرایم شد. یا در ماده ۷۰۶-۵۶ همان قانون با عنوان ثبت ملی نظارت و مراقبت تامینی در بند فنان همان قانون در سال ۲۰۰۸ مشاهده کرد.

در حقوق فرانسه جرایم حوزه کسب و کار بیشتر به عنوان جرایم اقتصادی مطرح می شود. زیرا عقیده بر این است که تفاوت عملی میان آن ها و حقوق کیفری کسب و کار وجود ندارد (ابراهیمی و صادق نژاد، ۱۳۹۲: ۱۴۹). لذا می توان موارد مسوولیت مرحله ای تدریجی را بر اساس قانون مطرح نمود که در مورد اطفال ۹ تا ۱۵ سال است.

۱-۱. سپردن به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی

والدین، اولیا و سرپرستان قانونی کودکان و نوجوانان نخستین گروهی هستند که مقام قضایی مسوولیت سپردن این افراد را به آن ها محول می کند. فرض مورد بحث در این زمینه حالتی است که این افراد از پذیرش کودک یا نوجوان خودداری کنند. قانون گذار در ماده ۲۸۷ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ با ذکر عبارت «... امتناع از پذیرش» به طور ضمنی این حق را برای آن ها قائل شده است که از قبول مسوولیت پذیرش کودک یا نوجوان خودداری کنند. در حالی که طبق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، نگهداری کودک هم حق و هم وظیفه والدین است. از نتایج این وظیفه می توان به بی اعتباری اسقاط آن، بی اعتباری واگذاری آن و همچنین امکان الزام فردی که از انجام این وظیفه سر باز می زند، اشاره کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۷۱۱).

بند ت ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) اقدامات والدین، اولیای قانونی و سرپرستان صغار را در صورتی که به منظور تربیت و حفاظت از آنها و در حد متعارف و مطابق با حدود شرعی انجام شود، غیر قابل مجازات دانسته است. دلیل این موضوع را می توان در ضرورت تبعیت اطفال از والدین و همچنین حق ولایت و حضانت والدین بر فرزندان خود در حقوق ایران جستجو کرد. به عبارت دیگر، همان طور که قانون مدنی نگهداری از کودک را به عنوان یک تکلیف و حق والدین تعریف کرده است، قانون مجازات اسلامی نیز در مقابل این تکلیف، حقی برای والدین در زمینه تربیت و حفاظت از فرزندانشان قائل شده است. به عنوان مثال، اگر ولی کودک برای حاضر کردن او در برابر مقام قضایی از روش های متعارف و شرعی استفاده کند، این اقدام تحت حمایت قانون قرار می گیرد. بنابراین، می توان اقدام مقام قضایی در سپردن کودک به والدین را به این شکل توجیه کرد که از نظر قانونی، ولایت و حضانت کودک به طور کامل بر عهده والدین است و قانون ابزارهای لازم برای اعمال این ولایت و حضانت را در اختیار آنها قرار داده است؛ از این رو، الزام والدین به حاضر کردن فردی که تحت نظارت و کنترل آنهاست، امری منطقی به نظر می رسد (توکلی، ۱۳۹۵: ۲۶).

۱-۲. سپردن به اشخاص حقیقی یا حقوقی

سپردن افراد به اشخاص حقیقی یا حقوقی، راهکاری است که قانون گذار در شرایطی که والدین، اولیا یا سرپرست قانونی دسترسی ندارند یا پذیرش نمی کنند، و همچنین در مواردی که مصلحت ایجاب می کند، پیش بینی کرده است. مشابه این موضوع در بند ب ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس



این ماده، دادگاه در مورد اطفال و نوجوانان بین ۹ تا ۱۵ سال که مرتکب جرم تعزیری شده‌اند، یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند: سپردن آنها به اشخاص حقیقی یا حقوقی که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان تشخیص می‌دهد. همچنین، در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیا یا سرپرست قانونی و عدم دسترسی به آنها، با رعایت مقررات ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، تبصره این بند نیز پذیرش سپردن طفل به این افراد را مشروط به قبول آنها دانسته است. به نظر می‌رسد که عدم اشاره به مسائلی مانند عدم صلاحیت والدین برای نگهداری از فرزند (ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی) ناشی از سهل‌انگاری قانون‌گذار باشد. در مواردی که عدم صلاحیت والدین کودک یا نوجوان مشخص باشد، حتی اگر این موضوع پذیرفته شود، مقام قضایی موظف است که کودک یا نوجوان را به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر که مناسب می‌داند، بسپارد. علاوه بر این مواد، توجه به ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ نیز در این زمینه می‌تواند مفید باشد. بر اساس این ماده، هرگاه دادگاه تشخیص دهد که توافقات مربوط به ملاقات، حضانت و نگهداری کودک برخلاف مصلحت اوست، یا در صورتی که مسئول حضانت از انجام وظایف خود خودداری کند، یا مانع ملاقات کودک با اشخاص ذی‌حق شود، می‌تواند در خصوص مسائلی مانند واگذاری حضانت به شخص دیگر یا تعیین ناظر با مشخص کردن حدود نظارت وی، با رعایت مصلحت کودک تصمیم‌گیری کند. بنابراین، بر اساس این ماده، در صورتی که دادگاه مصلحت کودک را تشخیص دهد، می‌تواند حضانت او را به شخص دیگری واگذار کند یا فردی را به عنوان ناظر برای نظارت بر حضانت او تعیین نماید. آیین‌نامه اجرایی این ماده نیز ویژگی‌هایی مانند نسبت با کودک، تأهل و تجربه را برای ناظر مشخص کرده است. این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن، قوانین خاصی هستند و نمی‌توان آن‌ها را در مواردی که والدین کودک صلاحیت ندارند و مقام قضایی قصد دارد کودک را به والدین بسپارد، به کار برد. با این حال، با توجه به سکوت قانون‌گذار در مورد اشخاص حقیقی یا حقوقی که مقام قضایی می‌تواند کودکان را به آن‌ها بسپارد و همچنین عدم تعیین تکلیف برای مواردی که این اشخاص از پذیرش کودکان و نوجوانان خودداری کنند، به نظر می‌رسد که استفاده از وحدت ملاک ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده برای تعیین ناظر به منظور نظارت بر رفتار والدین در خصوص ارائه کودک به مقام قضایی، می‌تواند تا حدی مشکلات ناشی از عدم وضوح قانون‌گذار را برطرف کند (مؤذن زادگان و غلامی، ۱۳۹۸: ۲۱۵).

۲. راهبردهای دادرسی در مسوولیت تقلیل یافته

مرحله دادرسی در فرآیند کیفری از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا در این مرحله سرنوشت دعوای کیفری و نوع پاسخ‌های حقوقی به بزهکاران مشخص می‌شود. این مرحله در زمینه حقوق کیفری کودکان و نوجوانان از حساسیت بیشتری برخوردار است، چرا که این افراد در حال رشد و پرورش هستند و هر تصمیمی که توسط نظام عدالت کیفری اتخاذ شود، می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر رفتار آینده آن‌ها داشته باشد (نیازپور، ۱۳۹۳: ۱۳۳). در این راستا، مرجع صادرکننده حکم برای کودکان و نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال؛ به عنوان یکی از عوامل کلیدی در مبارزه با بزهکاری این گروه و پیشگیری از تکرار آن شناخته می‌شود. بنابراین، تشکیل دادگاه‌های ویژه برای اطفال و نوجوانان در این مرحله از اهمیت بالایی برخوردار است. در زمینه حقوق کیفری اطفال، خوشبختانه اکثر نظام‌های



حقوقی با اشتیاق و استقبال به سمت ایجاد دادگاه‌های اختصاصی حرکت کرده‌اند، به طوری که دادگاه‌های اطفال و نوجوانان به عنوان قدیمی‌ترین نهادهای خاص رسیدگی به رفتارهای غیرقانونی این گروه شناخته می‌شوند. همچنین، قانون‌گذار ایران با تصویب ماده ۲۹۴ قانون آئین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲، به ایجاد دادگاه‌های اختصاصی برای کودکان و نوجوانان پرداخته است که نشان‌دهنده رویکرد تفکیکی در رسیدگی به جرایم این گروه سنی است. شناسایی شخصیت و علل بزهکاری، به کارگیری روش‌های خاص برای اصلاح و تربیت یا درمان به منظور جلوگیری از تکرار جرم، و امکان تغییر روش‌ها با توجه به رشد شخصیت کودکان و نوجوانان، از مهم‌ترین دلایل تفکیک آئین دادرسی کودکان و نوجوانان از آئین دادرسی کیفری بزرگسالان و تأسیس دادگاه‌های ویژه برای این گروه سنی به شمار می‌رود. به همین دلیل، ایجاد نهاد دادرسی مستقل از مجرمان بزرگسال و همراه با سازوکارهای حمایتی، منجر به کنار گذاشتن الگوی عدالت کیفری و رویکرد سزاگرایی حاکم بر آن می‌شود؛ زیرا این نوع دادرسی بر ضرورت محاکمه کودکان در فرآیند کیفری مشترک با بزرگسالان تأکید دارد (دانش، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

یکی از مهم‌ترین نتایج تأسیس دادگاه‌های اختصاصی، ایجاد فضایی جداگانه برای دادرسی کودکان و نوجوانان متخلف است. این اقدام نه تنها مانع از ارتباط آن‌ها با مجرمان بزرگسال می‌شود، بلکه امکان طراحی فضایی متناسب با شخصیت و روحیات آن‌ها را نیز فراهم می‌آورد. هدف از این اقدامات کاهش احساس ترس ناشی از حضور در چنین محیطی است، به طوری که کودک با آرامش بیشتری در مقابل قاضی قرار گیرد و بتواند تصمیمات دادگاه را بپذیرد. بنابراین، در فرآیند دادرسی، توجه و اهتمام ویژه‌ای به این نوع مسئولیت وجود دارد که مصادیق آن نیز مطرح می‌شود

۱-۲. احضار یا جلب

یکی از وظایف کلیدی و اساسی مراجع ذیصلاح انتظامی و قضایی در دادرسی کاهش یافته، جلوگیری از ورود کودکان و نوجوانان به فرآیند دادرسی رسمی کیفری است. این امر شامل پرهیز از تحقیقات و محاکمات رسمی و در صورت ضرورت، کاهش حداقل مواجهه این افراد با فرآیند دادرسی کیفری می‌شود. در حقوق ایران، به منظور اجرای این قاعده، صدر ماده ۲۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری، احضار و جلب کودکان و نوجوانان را در موارد خاص برای انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی از طریق ولی یا سرپرست قانونی آن‌ها مجاز دانسته است. با این حال، در بخش پایانی این ماده، این موضوع به عنوان مانعی برای احضار و جلب آن‌ها تلقی نشده است (بدری، ۱۳۹۶: ۵۳).

۲-۲. ضرورت حضور در جلسه دادرسی

در حین تحقیقات و بررسی اتهامات مربوط به اطفال و نوجوانان، حضور والدین یا سرپرستان قانونی و همچنین وکیل یا مشاور حقوقی آن‌ها از نظر حمایت عاطفی و حقوقی بسیار حائز اهمیت است.



بر اساس ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری در ایران، قاضی موظف است به ولی یا سرپرست قانونی طفل اطلاع دهد که باید شخصاً در دادگاه حاضر شوند یا وکیلی برای او تعیین کنند. در صورتی که آن‌ها اقدام به تعیین وکیل نکنند و شخصاً حاضر نشوند، دادگاه برای طفل وکیل تسخیری تعیین خواهد کرد. همچنین، طبق ماده ۲۲۵ همان قانون، اگر دادگاه حضور ولی یا سرپرست قانونی طفل را ضروری نبیند، می‌تواند بدون حضور آن‌ها به رسیدگی ادامه دهد (بدری، ۱۳۹۶: ۵۳).

۲-۳. غیر علنی بودن تحقیقات و دادرسی

اگر در مواجهه با رفتارهای غیرقانونی کودکان و نوجوانان امکان تحقیق و رسیدگی غیررسمی و خارج از فرآیند دادرسی کیفری وجود نداشته باشد، باید فرآیند کشف، تحقیقات مقدماتی و دادرسی به گونه‌ای سازماندهی شود که حریم خصوصی آن‌ها به‌طور کامل رعایت گردد. علنی کردن این فرآیندها و افشای هویت و مشخصات کودکان و نوجوانان از طریق رسانه‌ها و حضور افراد، می‌تواند به شخصیت و حیثیت آن‌ها آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد کند و اعتماد به نفسشان را سلب نماید. طرح اتهام علیه یک کودک یا نوجوان در مکان‌های عمومی و برجسب زدن به او به عنوان مجرم، می‌تواند به شخصیت طبیعی او آسیب بزند و او را در قالب یک مجرم تصور کند. این امر می‌تواند در مسیر اصلاح و تربیت او مشکلات اساسی ایجاد کند (بدری، ۱۳۹۶: ۵۳).

۲-۴. قرارهای تأمین دادرسی

قانونگذار در یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های خود در زمینه تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال و نوجوانان، افراد بالغ زیر ۱۸ سال را که طبق قانون آئین دادرسی کیفری ۷۸، مشمول قرارهای تأمین کیفری بزرگسالان بودند و از شمول قرارهای تأمین مختص اطفال خارج بودند، به مانند اطفال، مشمول قرارهای تأمین محدود و خاص کرده است (زارعت و مهاجری، ۱۳۸۶: ۱۵۹).

بر اساس ماده ۲۸۷ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در موارد ضروری، اخذ کفیل یا وثیقه تنها از متهمان بالای پانزده سال امکان‌پذیر است. در صورتی که متهم قادر به معرفی کفیل یا سپردن وثیقه نباشد و همچنین در مواردی که جرایم در ماده ۲۳۷ این قانون پیش‌بینی شده‌اند، دادسرا یا دادگاه می‌تواند با رعایت ماده ۲۳۸ این قانون، قرار نگهداری موقت آن‌ها را در کانون اصلاح و تربیت صادر کند. بنابراین، در مورد افراد بالغ زیر ۱۸ سال، علاوه بر سپردن به اشخاص حقیقی و حقوقی مشخص شده، مقام قضایی می‌تواند قرارهای تأمین کیفری شامل کفالت، وثیقه یا نگهداری موقت در کانون اصلاح و تربیت را نیز صادر کند.

نتیجه‌گیری

توجه روز افزون قانونگذاران در نظام حقوق کیفری ایران و فرانسه به جرائم حوزه کسب و کار، موجب شده است که مسأله «انتساب جرم» و «مجرمیت» که برای اعمال مجازات ضروری است، در مورد برخی از مجرمان منتفی شود. در



واقع، با این رویکرد، قانونگذار ضمن پذیرش مسئولیت حداقلی، قصد دارد نگرش خود را در زمینه مدیریت خطر بزهکاری تغییر دهد و سازوکار مرحله‌ای مناسبی برای کنترل بزهکاران در نظر بگیرد. این امکان در قوانین هر دو کشور به‌طور خاص در حقوق کیفری اطفال ۱۵ تا ۱۸ سال پیش‌بینی شده و به عنوان «جایگزین مرحله‌ای در حال توسعه» شناخته می‌شود.

لازم است قانونگذار قبل از جرم‌انگاری با رویکرد حداقلی در کنار ضمانت‌اجراهای کیفری، ضمانت‌اجراهای مدنی را نیز مد نظر قرار دهد و از این طریق کیفری نمودن سیاست جنایی حوزه کسب و کار را به شکل ضابطه‌مند در خصوص اطفال و نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال کاهش دهد.

بدیهی است که تعیین پاسخ‌های کیفری به صورت تفکیکی از طریق درجه‌بندی آثار تخلفات انجام می‌شود. هدف از این کار، ایجاد بازدارندگی کیفری است تا زمینه ارتکاب جرم کاهش یابد. همچنین، سیاست پاسخ‌دهی مبتنی بر بازدارندگی، یک رویکرد جامع و نظام‌مند است که علاوه بر داشتن جامعیت قابل توجه، این احساس را در فعالان حوزه کسب و کار تقویت می‌کند که هرگونه رفتار خلاف اصول کسب و کار بدون پاسخ نخواهد ماند. یکی از محورهای مهم در این زمینه، اخلاق‌گرایی کارفرمایان است که به بازگرداندن اصل اعتماد در این فضا کمک می‌کند.



منابع و ماخذ:

منابع فارسی:

- ابراهیمی، شهرام و مجید صادق نژاد نائینی (۱۳۹۲). «تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، سال دوم، ش ۵، زمستان، صص ۱۷۴-۱۴۷.
- بدری، علی. (۱۳۹۶). «دادرسی کیفری ویژه اطفال در حقوق ایران»، *فصلنامه قانون یار*، دوره اول، صص ۷۵-۵۳.
- پاک نهاد، امیر (۱۳۸۸). *سیاست جنایی ریسک مدار*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- توکلی، محمد مهدی. (۱۳۹۵). *مختصر حقوق مدنی*، چاپ دهم، تهران: انتشارات چتر دانش.
- دانش، تاج زمان. (۱۳۷۸). *دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- زارعت، عباس. و مهاجری، علی. (۱۳۸۶). *آیین دادرسی کیفری*، چاپ سوم، جلد دوم، تهران: انتشارات فکر سازان.
- حسینی آهق، مریم و مهرپور، حسین (۱۳۸۹). «رابطه بلوغ با مسوولیت کیفری». *پژوهشنامه فقه و حقوق اسلامی*، ش ۶، صص ۴۵-۵۶.
- شاه آبادی، ابوالفضل و رقیه پوران (۱۳۹۳). «نقش کارایی سیستم قضایی در سهولت کسب و کار». *دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی*، ش ۵، بهار و تابستان، صص ۹۷-۷۲.
- کانتوزیان، ناصر. (۱۳۹۰). *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*، چاپ بیست و نهم، تهران: نشر میزان.
- موذن زادگان، حسنعلی. غلامی، نبی الله. (۱۳۹۸). «واکاوی تحولات قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص قرار تامین کیفری اطفال و نوجوانان»، *دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده*، سال ۲۴، شماره ۷۰، صص ۲۳۵-۲۱۵.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱). از جرم شناسی انتقادی تا جرم شناسی امنیتی. *تقریرات درس جرم شناسی*، دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۱). «گفتمان پیمان حقوق کودک در زمینه پیشگیری از بزهکاری»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، دوره ۳، ش ۲، صص ۲۰۴-۱۸۷.



منابع انگلیسی:

- Beckett , Katherine & Bruce Western(2001). Governing Social Marginality: Welfare, Incarceration, and the Transformation of State Policy, *Punishment and society*, Vol 3, Pp43-59. available: <https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/14624740122228249>
- Danet, Jean(2010). Les politiques sécuritaires à la lumière de la doctrine de la défense sociale nouvelle, “ *Revue de science criminelle et de droit pénal comparé(RSC)*”. Pp: 49-67. available: <https://www.persee.fr/authority/270675>
- Grant , Heath B. & Karen J. Terry (2008). *Law Enforcement in the 21st Century*, Second editions, Pearson Publishing . available: <https://www.amazon.com/Enforcement-21st-Century-Heath-Grant/dp/0205336337>
- Robert, Jacques-Henri(2006). **Les murailles de silicium : loi n° 2005-1549 du 12 décembre 2005 relative au traitement de la récidive des infractions pénales**, No 2. Pp435-413. available: <https://documentation.insp.gouv.fr/insp/doc/SYRACUSE/162244>.
- Salavage, philippe(2006). *Reflexions sur les substitutions de peines en case cade*, no 10, Pp 318-323.